

ایده ها و آرمانهای رهبران پرولتاریا جاودانه اند!



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

Homepage: www.internationalist.tk

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

ماه ژانویه سالگرد مرگ ۳ تن از برجسته ترین رهبران پرولتاریا است. اندیشمندی که با وجود عمر کوتاه، اما پر مفید شان، تلاشهای خستگی ناپذیری در راستای تحقق اهداف طبقه کارگر انجام دادند. انسانهای پُرشوری که کل زندگیشان در خدمت طبقه کارگر بوده است. کمونیستها نه باوری به کیش شخصیت دارند و نه نگرشی مذهبی گونه نسبت به رهبران پرولتاریا، بلکه گرامیداشت این رهبران تنها بخاطر درس آموزی از تجربیات و آموزه های پیشقراولان پرولتاریا و بکار بردن تجربیات و آموزه های آنها در نبردهای آتی است.

بدنبال ترور لنین، مسمومیت مزمن ناشی از سرب گلوله‌های باقی‌مانده در بدن او، معالجه او را تقریباً غیر ممکن کرده بود. سر انجام پس از دو سال مرضی و چندین سکنه مغزی، لنین در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ درگذشت. لنین دوست داشت در کنار خانواده اش به خاک سپرده شود و هیچ باوری به کیش شخصیت نداشت. اما استالین مراسم تشیع جنازه لنین را در راستای منافع خود، کیش شخصیت به یک نمایش مذهبی تبدیل کرد. استالین با نام لنین و جسد لنین به جنگ اندیشه های انقلابی لنین رفت.

زمانی که اکثریت مطلق سوسیال دمکراتها در سال ۱۹۱۴ برای همیشه به اردوی بورژوازی پیوستند و کارگران را گوشت دم توپ در جنگ امپریالیستی کردند، بلشویکها و در راس آنها لنین با امپریالیستی ارزیابی کردن ماهیت جنگ، به دفاع از مواضع پرولتری پرداختند. با پیشروی جنبش کارگری، لنین با تزه‌های آوریل خود نه تنها نقش اساسی در تکامل بلشویسم ایفا کرد بلکه افق جدیدی در مبارزه طبقاتی گشود. بلشویکها با شعار «تمام قدرت بدست شوراها» نه تنها دورنمای جدیدی را در انقلاب جهانی گشودند بلکه مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا (اعمال حاکمیت از طریق شوراها) را به پراتیک روز تبدیل کردند. برخلاف وارونه سازیهای چپ سرمایه لنین یک انترناسیونالیست بود و معتقد به انقلاب جهانی. لنین تاکید میکرد که انقلاب روسیه تنها جزئی از جنبش پرولتاریای انقلابی جهان می باشد و چنین می گفت:

"افتخار بزرگ آغازیدن [انقلاب جهانی] نصیب پرولتاریای روس شده است، اما، او نبایستی از یاد برد که جنبش و انقلاب او تنها جزئی از جنبش پرولتاریای انقلابی جهان می باشد، جنبشی که هر روز قویتر و قدرتمندتر رشد می کند، برای نمونه در آلمان. ما فقط از این نقطه اتکا است که می توانیم وظایف خویشتن را تعیین کنیم." [۱]

انترناسیونالیسم پرولتری از ویژگیهای بلشویکها بود، در چنین زمینه ائی بود که لنین نقش اساسی در شکل گیری انترناسیونال سوم در مارس ۱۹۱۹ ایفا کرد. انترناسیونال کمونیستی بدنبال شکست موج انقلاب جهانی و سر برآوردن استالینیزم رو به انحطاط گذاشت. بورژوازی همیشه تلاش کرده و همچنان تلاش میکند تا وانمود کند که استالینیزم روند تکاملی ایده ها و آرمان های لنین است. ایدئولوژیهای بورژوازی چه از طریق وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق نظام آموزشی به این دروغ کثیف متوسل میشوند که هر گونه تلاش برای برچیدن سرمایه داری به استالینیزم منتهی خواهد شد. استالینیزم بر ویرانه های انقلاب اکتبر با قتل عام نزدیکترین رفقای لنین و از همه مهمتر با وارونه کردن اندیشه های انقلابی لنین، جشن پیروزی خود را برپا کرد. اما نام لنین با

شوراهای کارگری، با مفهوم مارکسیستی دولت و غیره گره خورده است، لنین اندیشمند بزرگ پرولتاریا در نبردهای طبقاتی زنده است.

پانزدهم ژانویه ۱۹۱۹ دو رهبر پرولتاریا رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت هر دو در سن ۴۷ سالگی توسط سوسیال دمکراتها و بفرمان «گوستاو نوسکه» قتل عام شدند. لوکزامبورگ در سال ۱۹۱۶ مجدداً زندانی شده بود و تا پایان جنگ جهانی اول در زندان بود. هنوز در زندان بود که انقلاب آلمان شروع شد. بدنبال پایان جنگ رزا لوکزامبورگ در هشتم نوامبر ۱۹۱۸ از زندان آزاد شد و به برلین، قلب انقلاب آلمان شتافت. در نوامبر ۱۹۱۸ بورژوازی آلمان شوراهای کارگران را منحل کرد، مبارزات کارگران و سربازان به خاک و خون کشیده شد. در دسامبر ۱۹۱۸ حزب کمونیست آلمان توسط اعضای اتحادیه اسپارتاکیست ها بنیان نهاده شد. سگان شکاری بدنبال رهبران پرولتاریا بودند. در جریان سرکوب کارگران، صد ها کارگر در قلب اروپا کشته شدند، رزا لوکزامبورگ در دفتر روزنامه «پرچم سرخ» بود و نمی خواست دفتر روزنامه را ترک کند اما رفقایش مجبورش کردند، مخفی شود. بدنبال آن جنایتکاران مردم را ترغیب کردند که محل اختفای رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت را لو دهند و در آفیش هایی که به دیوارهای برلین نصب کرده بودند، خواهان قتل این رهبران شدند. مضمون آفیش ها کاملاً روشن بود: «اگر صلح، کار و نان می خواهید داشته باشید، رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت را بکشید.»

سر انجام محل اختفای آنها لو رفت. در شب پانزدهم ژانویه ۱۹۱۹ پنج عضو از کمیته نیروهای مسلح بورژوازی از محله «ویلمرسدورف» در برلین، روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت را ربودند. جنایتکاران اسرای خود را تحویل پلیس ندادند بلکه در عوض آنها را به هتل مجلل «ادن»، جاییکه فقط روز بعد لشکر گارد سواره نظام، مرکز فرماندهی خود را در آنجا مستقر کرد، بردند. جنایتکاران بشدت از اسرای خود میترسیدند، امکان هر گونه محاکمه منتفی بود، رهبران پرولتاریا باید با خفت کشته می شدند. کارل لیبکنخت را پس از ضرب و شتم، تیرباران کردند و اظهار داشتند هنگام فرار به او تیراندازی شده است. با قنطاق تفنگ به جان روزا لوکزامبورگ افتادند سپس به شقیقه اش شلیک کردند و جسدش را در کانالی انداختند. مطبوعات بورژوایی نوشتند کارل لیبکنخت هنگام فرار مورد اصابت گلوله قرار گرفته و روزا لوکزامبورگ را یکی از ارزل و اوپاش به قتل رسانده است. نوسکه شخصاً حکم تیرئه افسرانی را که در قتل رهبران پرولتاریا دست داشتند، امضا کرد. والدمار پایست، رئیس «لشکر گارد سواره نظام» که فرمان قتل ها را صادر کرده بود، بعداً در رژیم نازی ها و بعد از آن در جمهوری فدرال به خدمت خود ادامه داد. سالها بعد در اهمیت کاری که انجام داده بود یعنی سرکوب انقلاب آلمان و به تبع آن نجات سرمایه داری و در نکوهش آلمانی ها چنین گفت:

"این آلمانی های احمق می بایست برای احترام در برابر من و نوسکه تا زانو خم شوند. خیابانها و میداین پس از ما باید به یاد ما نامگذاری شوند!" [۲]

قتل این انقلابیون بویژه روزا لوکزامبورگ ضربات جبران ناپذیری را به جنبش کارگری و پیشروی انقلاب جهانی وارد ساخت. انقلاب آلمان پیشقراوان و متفکران خود را از دست داد،

متاسفانه تبعات این مسئله کمر شکن بود. از سوئی بورژوازی آلمان از تجربه انقلاب روسیه آموخته بود و پرولتاریا در آلمان با بورژوازی باتجربه طرف بود، از سوی دیگر تزلزل کمونیستهای آلمانی در بریدن ناف خود از جسد مرده (سوسیال دمکراسی) و تاخیر در تشکیل حزب پیشقراول پرولتاریا، زمینه را برای شکست انقلاب آلمان مهیا کرد. شکست انقلاب آلمان نیز به نوبه خود زمینه را برای شکست انقلاب جهانی مهیا نمود.

روزا لوکزامبورگ ستاره سرخی بود که در فضای سیاسی پرولتری درخشید، اگر چه متمدنهای بربر، دمکراتها در قلب اروپا این منبع الهام بخش پرولتاریا را به قتل رساندند اما آموزه های او بخصوص در رابطه با تکامل سرمایه داری، مفهوم امپریالیسم، مسئله ملی و غیره همچنان زنده هستند. برخلاف آرزوهای قاتلان این رهبر پرولتاریا، رزا در نبردهای طبقاتی زنده است. شیخ روزا لوکزامبورگ همچنان در گشت و گذار است. این اخگر در آخرین مقاله اش تحت شرایط سرکوب در رابطه با نظم سرمایه چنین می گوید:

"نظم در برلین حاکم است. گزیده های احمق! «نظم» شما بر شن بنا شده است. از همین فردا انقلاب از نو با سر و صدای بسیار قامت راست خواهد کرد تا شما را بیش از هر زمان بترساند و در بوق خود خواهد دمید که:
بودم، هستم، خواهم بود".

م جهانگیری
۲۲ دی ۱۳۹۸

یادداشت ها:

- [۱] لنین - سخنرانی گشایش در کنفرانس آوریل ۱۹۱۷
- [۲] آلمان در سال ۱۹-۱۹۱۸- از نوسکه تا هیتلر